

دوفصلنامه الاهیات قرآنی

(با رویکرد کلامی)

سال پنجم/ شماره ۱/ پیاپی ۸/ بهار و تابستان ۹۶

صفحات ۳۱ الی ۴۸

آموزه‌های اسلامی، نظام خانواده و چالش‌های پیش‌رو

احمد اسمعیل تبار*

چکیده

چگونه بنیان خانواده و سپس جامعه اسلامی تحکیم شود تا از هجوم فرهنگ‌های منحرف و چالش‌های پیش‌رو مصون بماند؟ پاسخ به پرسش مذکور که هدف اصلی مقاله است در چهار آموزه مکتب اسلام یافت می‌شود.

اول؛ معرفت و تربیت اعضای تشکیل دهنده خانواده است که دین اسلام ناب بدون معرفت صحیح و کامل، جامه عمل نمی‌پوشد.

دوم؛ رابطه صحیح و کافی جنسی بین دو رکن اصلی خانواده یعنی زوجین است که بدون آن در عمل، خانواده با چالش و مشکل مواجه می‌شود.

سوم؛ رابطه صحیح و دقیق اقتصادی در خانواده است که علاوه بر زوجین فرزندان در حال رشد نیز باید جایگاه خود را در روابط اقتصادی بدانند و خود را برای ساختن خانواده جدید و جایگیری در جامعه آماده سازند.

چهارم؛ رابطه مقامی بین زوجین و فرزندان است که قوام خانواده بدان بستگی دارد و رعایت ولایت شوهر در پذیرش تصمیم نهایی و در امر اختلافی موجب وحدت رویه و تحکیم بنیان خانواده می‌شود. در عین پذیرش قدرت پدر در خانواده مسئولیت نیز متوجه او می‌گردد و حریم و نتایج عملکردها و مدیریت خانواده طی سال‌های زندگی مشترک معلوم می‌شود.

روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای است اما از تجارب میدانی نیز استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: آموزه‌های اسلامی خانواده، چالش‌های نظام خانواده، رابطه اقتصادی، رابطه مقامی، آموزش.

* استادیار حقوق اسلامی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری . A.Esmailtabar@gmail.com

پذیرش: ۹۶/۳/۱۶

دریافت: ۹۵/۹/۲۵

مقدمه

خانواده بدون تردید یکی از ارکان بنیادین تشکیل جامعه است و نقش بسزایی در رشد و بالندگی جامعه دارد. در فقه اسلام نظام خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «ما بُنی بناء فی الاسلام أحب الی الله عزوجل من التزویج؛ نزد خداوند هیچ بنیانی با عظمت‌تر و محبوب‌تر از بنیاد خانواده نیست» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۳: ۲۲۲). باتوجه به این‌که اسلام دین جامعی است و مجموعه‌ای از قوانین الهی را برای بشر به ارمغان آورده است (مائده/آیه ۳؛ انعام/آیه ۱۱۵)، ضرورت بهره‌گیری از آموزه‌های فقه اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز برای رفع چالش‌های نظام خانواده آشکار می‌شود.

علاوه بر قرآن، پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع)، اندیشمندان و فقهای اسلامی نیز از صدر اسلام تاکنون به مباحث نظام خانواده توجه ویژه‌ای داشته‌اند و در سال‌های اخیر نیز مقالات و آثار مهمی در حوزه تحکیم روابط خانواده، ازدواج و آداب زناشویی در اسلام، عوامل تحکیم و تقویت نظام خانواده، بررسی نهادهای حقوقی خانواده از منظر اخلاق اسلامی و... نگاشته شده است. در این نوشتار نظام خانواده با تکیه بر الگوی اسلامی با معیار قراردادن فقه امامیه مورد بررسی قرار گرفته است و چالش‌های پیش روی آن احصاء و با توجه به رواج اندیشه‌های غربی در قالب نظام خانواده نوین و بر اساس برخی از کارکردهای نظام خانواده شامل: روابط جنسی، روابط اقتصادی خانواده، رابطه مقامی و نقش آموزشی آن مورد بررسی قرار گرفته است و بر این اساس به واکاوی این امر پرداخته شده است که آیا تشکیل خانواده به تنهایی برای ارضاء مشروع جنسی اشخاص جامعه کفایت می‌کند؟ یا آزادی جنسی و برقراری روابط آزاد و پیامدهای آن چاره‌ناپذیر است؟ آیا تنها با تشکیل خانواده حسب شرایط موجود می‌توان با چالش‌های سهمگین پیش رو که از طرف فرهنگ غرب تبلیغ می‌شود مقابله کرد؟ همچنین دیگر کارکرد نظام خانواده که نقش شخصیت‌سازی و پرورش و تربیت اولاد صالح است، بهتر است براساس آموزه‌های اسلامی و دینی انجام گیرد یا الگوهای نظام نوین خانواده که توجه کمتری به بعد معنوی و برخورد همراه با احترام به فرزندان و .. دارند، پاسخ بهتری برای شخصیت‌سازی اشخاص دارد؟ و به طور کلی آیا نظام خانواده اسلامی، نظامی جامع و مانع و راهبردی است و یا نظام نوین خانواده که الگوی آن اندیشه‌ها و تفکرات غربی که بر اساس اصالت اراده انسان پایه‌گذاری شده‌اند، نظامی است که پیروی از آن موجب رشد و بالندگی برون رفت از مشکلات پیش روی نظام خانواده خواهد شد؟

۱. نهاد خانواده و چالش‌های پیش‌رو

خانواده جایگاه بنیادین در نظام اجتماعی ایرانیان دارد چرا که اساس آن است و ابتدا اشخاص، هنجارها و ناهنجاری‌ها را از خانواده آموخته و سپس سیر رشد اجتماعی خود را طی می‌کنند. با تامل در جامعه و واکاوی نهاد خانواده این نتیجه حاصل می‌شود که چالش‌ها و آسیب‌های متعددی پیش‌روی این نظام قرار دارد که جهت استواری و انسجام بنیان خانواده و بهره‌برداری صحیح از کارکردهای آن باید مورد توجه و شناسایی قرار گرفته تا بتوان راهکارهای بیرون رفت از آن‌ها را شناسایی و با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی به کار بست چرا که با در نظر داشتن فقه امامیه نیازهای انسانی به طریق‌های واجب، مستحب، حلال، حرام و مکروه پاسخ داده می‌شوند و بلاشک بدون شناخت احکام فقهی ایجاد رابطه‌های پنجگانه حلال، حرام، واجب، مستحب و مکروه ممکن نیست.

دانش فقه بر پایه معرفت انسان برای تنظیم سه رابطه شهوت، ثروت و قدرت از طرف خداوند برای قانون‌مندی اشخاص اعتبار شده است که هر یک از این روابط سه‌گانه بخشی از نیازهای انسان را برطرف می‌کنند. خانواده خود نظامی است که به تنهایی دربردارنده این سه رابطه است. با در نظر داشت این سه کارکرد نظام خانواده، برخی از چالش‌های نظام خانواده بررسی و راه‌کارهای اسلامی جهت بیرون رفت از آن‌ها ارائه شده است.

۱-۱. **نظام خانواده و ارضاء غریزه جنسی:** ازدواج اهداف مختلفی دارد که اولین هدف آن تشکیل خانواده و سامان دادن به زندگی است. اشخاص و جوانان مجرد به واسطه فطرت و ذات انسانی از خلاء عاطفی رنج می‌برند. از این رو قرآن در آیه ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید). از اهداف دیگر ازدواج می‌توان از تولید نسل و تربیت فرزند صالح نام برد. قرآن در سوره بقره آیه ۲۲۳ می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ» (زنان شما کشتزار شما هستند، پس در آن‌ها بکارید هر چه را که می‌خواهید) و پیامبر(ص) می‌فرماید: «بی‌تردید اگر هر یک از شما به تربیت فرزند خود بپردازید، برای او نیکوتر از آن است که هر روز نیم صاع در راه خدا صدقه دهد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج۱۵: ۱۶۶). از اهداف دیگر ازدواج علاوه بر آرامش روحی و تولید نسل صالح، ارضای مشروع غریزه جنسی است. رابطه جسم و نفس به گونه‌ای است که سکونت نفسانی پس از نکاح در اثر ارضاء غریزه جنسی به عنوان نیاز طبیعی، تامین می‌شود. هرچند

ازدواج مزایای دیگری چون افزایش ایمان، تکامل شخص و تکمیل دین، تعاون در اطاعت و ازدیاد روزی را نیز به دنبال دارد.

ارضاء جنسی، علی‌رغم آن که خصوصی‌ترین و پنهانی‌ترین بخش زندگی انسان است اما مهم‌ترین بخش آن نیز است که بی‌توجهی و نادیده‌گرفتن آن سبب مشکلات زیادی می‌شود تا جایی که قسمت اعظمی از مشکلات داخلی نظام خانواده و آمار طلاق را به خود اختصاص داده است. (www.isna.ir)

با این وجود یکی از نقش‌های مهم نظام خانواده تامین نیاز جنسی زوجین است که اسلام و آموزه‌های دینی تأکیدات زیادی بر آن داشته‌اند تا حدی که هر چند آمیزش جنسی عملی مباح است حتی در شرایطی این عمل واجب می‌گردد. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «پیامبر (ص) به ابودر فرمود: با همسرت مجامعت و آمیزش کن تا ثواب ببری. ابودر تعجب کرد و گفت: یا رسول‌الله مجامعت کنم خدا به من پاداش می‌دهد؟ پیامبر (ص) فرمود: همچنان که از راه حرام به مجامعت اقدام کنی گناه می‌بری، اگر از راه حلال باشد، پاداش و ثواب می‌بری» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰: ۱۰۹).

تاکید اسلام بر ارضای مشروع گزینه جنسی در خانواده مبتنی بر این امر است که ارضاء صحیح قوای جنسی علاوه بر آن که سلامت جسم و روان را در پی دارد از فساد و تباهی جامعه و جرایم و معضلات جنسی هم‌چون تجاوز به عنف، خودارضایی، زنا، لواط، مساحقه، مباشرت با حیوان و... پیشگیری و میزان آن‌ها را به حداقل می‌رساند چرا که بی‌توجهی به رابطه جنسی حلال بین زنان و مردان موجبات رشد سریع راه‌های جایگزین حرام در جامعه را فراهم می‌کند و اشخاص به ویژه جوانان، خانواده و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشاند.

بر همین اساس در آموزه‌های اسلامی تمکین یکی از اساسی‌ترین وظایف زن شمرده شده است. تمکین در لغت به معنای جای دادن، یا بر جا کردن، قادر و مسلط گردانیدن کسی بر چیزی و ... آمده است (دهخدا، ۱۳۴۷، ج ۴: ۶۱۱۸) و در اصطلاح فقها به معنای آماده بودن و اطاعت زن برای شوهر در روابط جنسی در هر زمان و مکانی که شوهر بخواهد مگر این‌که زن عذر شرعی داشته باشد. (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۳۱: ۲۸۹؛ حلی، ۱۳۸۹ق، ج ۲: ۳۴۷؛ صفایی و امامی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۷۳؛ کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۲۷ و ۲۲۸).

پیامبر (ص) فرمود: «هرکسی که دوست دارد پاک و منزّه خداوند را ملاقات کند، عفاف خویش را با همسر رعایت کند» (بروجردی، ۱۳۸۹، ج ۲۵: ۸۵).

با این همه و با تامل در واقعیت‌های موجود در جامعه باید دید آیا ازدواج دائم تنها راه‌حل رفع نیاز جنسی اشخاص محسوب می‌شود؟

واقعیت مشهود در جامعه این است که خانواده ایرانی ضمن حفظ برخی از کارکردهای پیشین در حال گذار به نظام خانواده نوین است که این امر خود سبب دگرگونی‌های زیادی در نظام خانواده شده است. از جمله با بررسی سن ازدواج در سطح جامعه این نتیجه حاصل می‌آید که سن ازدواج روز به روز در حال افزایش است (فولادی، ۱۳۹۳: ۸۰) و این امر به اسباب گوناگونی چون امکانات محدود اقتصادی، رواج فرهنگ تجمل‌گرایانه، نبود شغل و درآمد کافی و مخارج سنگین ازدواج و روزانه زندگی است اما باید به این مهم توجه داشت که افزایش سن ازدواج به معنای نبود نیاز جنسی قبل از آن نمی‌باشد.

علاوه بر این با توجه به آمار و ارقام ارائه شده از سوی نهادهای رسمی که حدود و ثغور آن در نزد نهادهای مرتبط موجود است، هر ساله بر تعداد جوانانی که به سن مجرد قطعی رسیده و هرگز ازدواج نکرده‌اند، افزوده می‌شود. (فولادی، ۱۳۹۳: ۸۸) همان‌طور که بر آمار طلاق نیز هر ساله افزوده می‌شود. (صدرالاشرفی، خنکوار طارسی، شمخانی، یوسفی افراشته، ۱۳۹۱: ۲۸) به اضافه آن که تعداد زنان بیوه‌ای که به هر دلیل همسر خود را از دست داده‌اند و سرپرست خانوار شده‌اند، کم نیست. (<http://women.gov.ir>) همچنین نباید از اشخاصی که حتی با وجود ازدواج دائم به دلایلی همانند بیماری زوجه امکان استمتاع جنسی از همسر خود را ندارند، غافل ماند.

حال باید درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که این اشخاص چه‌گونه باید نیاز جنسی ضروری خود را برطرف کنند؟
به نظر می‌رسد چهار روش را برای حل موضوع می‌توان در پیش گرفت:

– روش اول: ازدواج دائم و تشکیل خانواده؛ واقعیت غیرقابل انکار این است که امکان ازدواج دائم برای تمامی این افراد وجود ندارد و حتی در مواردی همانند مردی که دارای همسر دائم و فرزندان از وی است، امکان ازدواج دائم مجدد گاه به دلایل مالی و گاه به دلایل عرفی و ... امکان پذیر نمی‌باشد.

– روش دوم: خویشتن‌داری و عفت ورزیدن؛ خداوند در قرآن در سوره نور آیه ۳۳ مقرر کرده است: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند.) بلاشک خداوند متعال عفت را برای سعادت بشر قرار داده و در بسیاری از موارد از پیامدهای سوء

ارضای نامشروع جنسی می‌کاهد اما شاید شماری از اشخاص به‌خصوص بانوان با ریاضت نفسانی و حجب و حیا و عفت ورزیدن بتوانند در برابر هجوم غریزه جنسی صبر پیشه کنند ولی این امر برای همه‌ی افراد امکان‌پذیر نیست.

– روش سوم: برای اشخاصی که ازدواج دائم میسر نشد و خویشتن‌داری چاره‌ساز نبود، تنها راه مشروع ارضای جنسی «ازدواج موقت» است که افراد با قانون‌مندی فقهی اراده خود را بر مبنای اراده خداوند قرار دهند. البته ازدواج موقت در صورتی می‌تواند راهگشا باشد که قوانین و حدود آن در قالب قانون و مطابق با مقتضیات زمان، از سوی نهادهای قانونگذار تدوین گردد در غیر این صورت اجازه ازدواج موقت بدون قید و شرط و ملاحظات عوض، می‌تواند تبعات خانوادگی و اجتماعی نامطلوبی در پی داشته و مورد سوءاستفاده هوسبازان قرار گیرد.

– روش چهارم: راه حل دیگر که برآمده از اندیشه آزادی لیبرالی در غرب است، در پیش گرفتن راه آزادی جنسی است. اندیشه غربی بر پایه نفی اراده خداوند و اصالت انسان استوار است و جز تجاوز به عنف هیچ یک از راه‌های ارضاء جنسی از زنا، لواط، مساحقه، خودارضایی، مباشرت با حیوان و دیدن صحنه‌های شهوت‌آلود را ممنوع نمی‌داند.

به‌کارگیری این روش‌ها رفته‌رفته خسارات زیانباری را بر جای خواهد گذاشت که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- نفس افراد به ویژه جوان مسلمان را ویران کرده و او را از آرامش و سکون روانی عادی خارج می‌کند.

۲- گسترش بیماری‌های جسمی از جمله ایدز را به دنبال خواهد داشت. با مراجعه به آمار روبه رشد ایدز در جامعه به ویژه افزایش موارد ابتلاء از طریق جنسی زنگ خطر ابتلاء نسل نوجوان و جوان به بیماری هولناک ایدز به صدا در آمده است.

۳- به دنیا آمدن فرزندان نامشروع

۴- کاهش آمار ازدواج

۵- تهدید نظام خانواده

گرچه تمام این موارد براساس آزادی جنسی در فرهنگ غرب اشکالی ندارد و هر زن یا مردی می‌تواند با هر یک از این روش‌ها خود را ارضاء کند اما در فقه اسلام این موارد حرام بوده و تنها راه باقیمانده غیر از ازدواج دائم و خویشنداری، «نکاح موقت» است و در غیر این صورت هیچ روشی برای ارضاء مشروع جنسی باقی نمی‌ماند.

میل انسان به جنس مخالف یک کشش طبیعی است که قابل انکار نیست. این غریزه جنسی نه تنها به‌عنوان یک مسئله شخصی روان را پریشان می‌کند بلکه در یک فراگیری اجتماعی به‌عنوان یک مشکل اجتماعی برای جامعه نیز مسئله ساز می‌شود. واضح است که دستگاه مدیریت جامعه اسلامی، نمی‌تواند از موضوع مهم روابط جنسی و ارضاء مشروع آن غفلت کند و لازم است به تبیین استراتژی جنسی و ارضاء مشروع آن از دیدگاه خدا و سنت رسول خدا(ص) بپردازد (اسماعیل تبار، ۱۳۹۵: ۱۵۶) و راه‌های عملی شدن آن را ارزیابی و فراهم کند تا این سنت نبوی صرفاً در حد نظریه و حکمی شرعی باقی نماند.

عبدالله بن سلیمان گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می‌فرمودند: «پیوسته امیرمومنان(ع) می‌فرماید: اگر پسر خطاب (عمر) پیش از به حکومت رسیدن من متعه را حرام نمی‌کرد هیچ‌کس (جز شقی) اندکی به زنا آلوده نمی‌شد» (بروجردی، ۱۳۸۹، ج ۲۶: ۶۹).

اگر انسان اراده خود را بر مبنای اراده خدا تنظیم کند، به خود هرگز اجازه نمی‌دهد مرتکب زنا و فحشا شده و علاوه بر آن که خود را دچار مشکلات روحی و در مواردی با بیماری‌های جسمانی مواجه کند، جامعه را به فساد و تباهی کشیده و به خصوص نظام خانواده را متزلزل و محیط روانی جامعه را نیز با بیماری همراه کند. مهم این است که دانسته شود، احکام اسلامی نه تنها برای زندگی اجتماعی لازم است بلکه برای زندگی خانوادگی و شخصی نیز امری ضروری است.

در دیباچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از نظام خانواده به‌عنوان رکنی بنیادین و کانون اصلی رشد انسان نام برده شده است و حکومت اسلامی وظیفه عملیاتی شدن این امر را بر عهده دارد. اصل ۱۰ قانون اساسی صراحت دارد همه قوانین، مقررات و برنامه‌ریزی‌ها باید در جهت «آسان کردن تشکیل خانواده»، «پاسداری از قداست آن» و «استواری روابط خانوادگی بر پایه‌ی حقوق و اخلاق اسلامی» باشد (ر.ک. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). با این وجود اقدامات صورت گرفته در این راستا کافی نمی‌نماید.

۱-۲. نظام خانواده و کارکرد اقتصادی آن: ساختار خانواده عصر جدید تغییرات اساسی کرده است به نحوی که خانواده در جامعه صنعتی، از نهادی تولید کننده به مصرف کننده صرف تبدیل شده است و عمدتاً کارکردهای اقتصادی خود را به نهادهای دیگری منتقل کرده است. در نتیجه در عصر جدید خانواده عمده کارکرد اقتصادی خود را در جامعه از دست داده است. با این حال نهاد خانواده در اسلام دارای برخی نقش‌های اقتصادی است که به واکاوی ابعاد آن و چالش‌های پیش‌روی آن پرداخته می‌شود.

پس از ازدواج نفقه و تامین مخارج اقتصادی خانواده بر اساس فقه امامیه بر عهده مرد است و پرداخت آن از وظایف و تعهدات مرد و حقوق زن و فرزندان می‌باشد. نفقه به معنای «ما انفقت و استنفقت علی العیال و نفسک» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۷۷)، یعنی آن‌چه برای خود و خانواده هزینه می‌شود.

در جواهرالکلام معنای نفقه این‌گونه بیان شده است: «مایحتاج زن از جمله غذا، البسه، مسکن، خادم و وسایل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد» (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۳۱: ۳۳۰). بعضی از فقها، مصادیق دیگری به آن اضافه کرده‌اند، همانند: «وسائل تنظیف و آرایش از جمله شانه، کرم، صابون و هزینه حمام در صورت نیاز» (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق: ۴۶۹). در تحریرالاحکام در تعریفی کوتاه بدون ذکر مصادیق آمده است: «آن‌چه زن بدان نیازمند است و در شان چنین زنی در آن شهر است» (حلی، بی‌تا، ج ۲: ۴۷).

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران تعریفی از نفقه ارائه نکرده بلکه فقط در ماده ۱۱۰۷ مصادیق نفقه را به عنوان نمونه این‌گونه بیان کرده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا» (ر.ک. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

اما تعریف حقوقدانان از نفقه عبارت است از: «چیزی که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد» (صفایی و امامی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۹۳). «نفقه تمام وسایلی است که زن، با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، بدان نیازمند است» (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۸۷).

باید توجه داشت موارد مذکور در این ماده براساس نظر حقوقدانان جنبه حصری ندارد و موارد دیگری که شامل معاش متعارف است را نیز در بر می‌گیرد.

خداوند در قرآن در این خصوص می‌فرماید: «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف؛ بر صاحب فرزند لازم است که خوراک و لباس مادر را به‌طور متعارف بپردازد» (بقره/۲۳۳).

پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرماید: «زنانتان بر شما حقی دارند و شما هم بر زنان حقی دارید. حق شما بر زنانان این است که بدون اجازه شما کسی را به منزل راه ندهند و ... و هنگامی که از شما اطاعت کردند بر شما است که خوراک و پوشاک آن را به‌طور متعارف بپردازید» (حرانی، ۱۴۰۹ق: ۳۳، ۳۴).

در فقه امامیه زن هیچ‌گاه مکلف به دادن نفقه به شوهر نیست و این صرفاً از وظایف زوج در قبال زوجه است. پرداخت نفقه زن مشروط به فقر زن یا تمکن مرد نیست، زن حتی اگر

ثروتمند باشد، می‌تواند از شوهر نفقه طلب کند (مواد ۱۱۹۷ و ۱۱۹۸ قانون مدنی، ر.ک. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

اما در برخی از نظام‌های حقوقی نه تنها مخارج زن به عهده مرد نیست بلکه زن هم بر حسب توانایی و امکانات خود باید در تامین مخارج زندگی مشترک همکاری کند و سهمی بپردازد. طبق ماده ۱۶۳ قانون مدنی سوئیس: «هریک از زن و شوهر بر حسب توانایی و وسع خود باید در تامین هزینه متناسب خانواده، سهیم باشند...» و قانون مدنی فرانسه نیز در ماده ۲۱۴ به سهم هر یک از زوجین در پرداخت هزینه زندگی خانوادگی اشاره دارد (مهرپور، ۱۳۸۷: ۴۴).

در وضعیت کنونی جامعه نیز دیده می‌شود که زنان در عرصه اقتصادی حضور فعالی پیدا کرده‌اند. هرچند سابقه فعالیت در کارهای اقتصادی و کشاورزی زنان در کنار همسران بسیار طولانی است.

اما در فرهنگ غرب، فعالیت اقتصادی زنان به‌عنوان ارزشی برتر نمود پیدا کرده است و در برخی موارد یکی از موانع و مشکلات زنان در برابر اشتغال نقش مادری و همسری زن محسوب می‌شود، چرا که علاوه بر نقش طبیعی زن در خانواده (همسری و مادری) افزوده شدن فعالیت اقتصادی نیز تنش‌ها و استرس‌های مضاعفی به دنبال دارد که راه‌حل آن را این‌گونه معرفی می‌کنند که زن نقش‌های موجود در نظام خانواده را برعهده نگیرد؛ یعنی ازدواج نکند، بچه‌دار نشود و... که این روند باعث تهدید بنیاد خانواده و فروپاشی آن خواهد شد، زیرا بی‌توجهی و کم‌ارزش نشان دادن نقش مادری و همسری زن و در مقابل ارزش‌گذاری بالا برای فعالیت زنان در عرصه اقتصادی پیامدهای منفی به دنبال دارد که از جمله آن می‌توان به بی‌توجهی به ازدواج و تشکیل خانواده اشاره کرد که زنان با توجه به ارزش پایین اجتماعی ازدواج در مقابل فعالیت اقتصادی رغبتی به آن نشان نمی‌دهند و یا در صورت ازدواج نقش همسری و یا مادری خود را رها کرده و یا آن‌ها را به خوبی انجام نمی‌دهند.

خداوند در قرآن، در سوره قصص از دختران حضرت شعیب(ع) نام می‌برد که به کار چوپانی اشتغال داشته‌اند. آن‌ها به علت کهولت سن پدر، جایگزین او در کار نگهداری از گوسفندان شده بودند. همچنین در سوره نساء، آیه ۳۲ خداوند می‌فرماید: «مردان را از آن‌چه به اختیار کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز از آن‌چه کسب می‌کنند بهره‌ای است.» در این آیه خداوند حلال بودن اکتساب بر مردان و زنان را بیان کرده است. همچنین قرآن در سوره بقره، آیه ۲۳۴ مقرر کرده است: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ باکی بر شما نیست، در آن

اموری که زنان در رابطه با خود و از روی معروف انجام می‌دهند.» عموم و اطلاق آیه شامل اتخاذ شغلی که براساس معروف باشد، می‌شود.

با واکوی سیره پیامبر(ص) نیز این نتیجه حاصل می‌آید که در زمان رسول خدا(ص) زنان زیادی به فعالیت‌های اقتصادی اشتغال داشته‌اند و پیامبر(ص) در مواردی نیز آن‌ها را راهنمایی می‌کرده‌اند. حسین بن زید هاشمی از امام صادق(ع) روایت کرده است که زنی به نام زینب عطاره نزد زنان پیامبر اکرم(ص) آمد. پیامبر(ص) وارد خانه شد و او را نزد همسرانش دید. به وی فرمود: منزل ما را خوشبو کردی. زینب عرض کرد: منزل به بوی شما معطرتر است. پس از این سخنان، پیامبر(ص) برخی از آداب و احکام خرید و فروش را برای وی بیان فرمودند (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۵: ۱۵۱). بنا بر این روایت پیامبر(ص) با اشتغال زینب عطر فروش نه تنها مخالفتی نکردند بلکه با بیان برخی از آداب معامله او را نسبت به ادامه آن کار تشویق کردند.

حضرت خدیجه(س) که از زنان بزرگوار و برگزیده هستند، خود تاجری ثروتمند بودند که به تجارت می‌پرداختند و پیامبر(ص) نیز برای مدتی از جانب ایشان به تجارت مشغول بودند. در نتیجه هر چند اسلام وظیفه تامین معاش خانواده را برعهده مردان قرار داده است اما حق فعالیت اقتصادی را نیز به زنان داده است و چنین شغلی در پیشینه حیات شخصی و اجتماعی حضرت خدیجه(س) هیچ نقصی برای‌شان جهت ازدواج با پیامبر اسلام(ص) نبوده است و حتی بعد از نبوت نیز پیامبر اسلام(ص) از پیشینه کاری حضرت خدیجه(س) به نکوهش یاد نکرده است و همین معنا دلالت بر جواز و حتی مطلوب بودن فعالیت اقتصادی زن دارد.

امام رضا(ع) ضمن خطبه‌ای فرموده‌اند: «اگر هیچ دلیل روشنی از کتاب و سنت بر اهمیت تشکیل خانواده وجود نداشت، آثار و برکاتی که به سبب این امر نصیب اجتماع می‌شود، تنها برای ترغیب و تشویق انسان‌ها به ایجاد کانون خانواده کافی بود» (محمدی ری شهری و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ج ۳: ۲۸۶).

باید توجه داشت که ارزش و اهمیت کار زنان در خانه و به ویژه وظیفه خطیر تربیت اولاد صالح با طبیعت و ویژگی‌های زیستی بانوان نیز هماهنگ‌تر است، بنابراین زن مسلمان می‌تواند رفتار خود را در خانواده و جامعه، بر پایه آموزه‌های اسلامی تنظیم نموده و حفظ کانون خانواده و تربیت اولاد صالح را در اولویت قرار دهد. بلاشک فرزندان نیز در این رویه جایگاه اقتصادی خود را در خانواده‌ای که خواهند ساخت از والدین الگوبرداری می‌کنند.

هر چند وضعیت اقتصادی، گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی و اموری از این دست بر این نوع از ارزش‌گرایی‌ها دامن می‌زند اما دستگاه‌ها و ارگان‌های مسئول و به خصوص رسانه‌ها باید تمام همت

خود را در جهت فرهنگ‌سازی و تاکید بر جایگاه مادری و نقش همسری زنان براساس آموزه‌های اسلامی معطوف کنند و برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات لازم و موثر را انجام دهند تا با ارزش‌گذاری‌های ناصواب و برگرفته از فرهنگ غرب، زنان مسلمان از وظایف ذاتی خود به عنوان مادر و تربیت فرزند و مایه آرامش کانون خانواده غفلت نورزند.

۳-۱. سرپرستی و مدیریت خانواده: هر مجموعه برای برقراری نظم و حرکت به سوی اهداف نیازمند مدیریت است و از آن‌جا که خانواده یک نهاد کوچک اجتماعی است، مانند مجموعه‌های بزرگ دیگر رهبری و سرپرستی واحدی را می‌طلبد.

یکی از اساسی‌ترین نقش‌های مرد در خانواده مدیریت است. مدیریت خانواده دارای سه اثر مهم است: ۱- قوامیت؛ ۲- ولایت؛ ۳- حضانت.

خداوند در قرآن در سوره نساء، آیه ۳۴ مقرر کرده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (مردان سرپرست زنانند) قوامه در لغت به معنای قیام و اشراف بر امر یا مال آمده است (مصطفی و همکاران، ۱۹۸۹م: ۷۶۸) و به حمایت و سرپرستی نیز معنا شده است (قلعه جی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۶۰۲) و نیز به معنای محافظت و رعایت مصالح فرد است. (سایس و همکاران، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۵۵)

قوام به معنای قیم است (طبرسی، ۴۰۸ق، ج ۳: ۶۸) با این تفاوت که قوام، ابلغ و رساتر می‌باشد و او کسی است که قیام‌کننده و عهده‌دار مصالح و تدبیر امور است و خانواده بدو قوام می‌یابد (بغوی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۲۲).

از پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره‌ی برتری مردان بر زنان سؤال شد، آن حضرت فرمودند: «كففضل الماء على الارض، فبالماء تحيي الارض و بالرجال تحيي النساء، ثم تلا هذه الآية (الرجال قوامون على النساء)» (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۴۴۸) فضیلت مرد بر زن مثل فضیلت آب نسبت به زمین است، با آب زمین زنده می‌شود و با حضور مردان زندگی زنان به نشاط و شادابی و زاینده‌گی می‌رسد. آن‌گاه پیامبر آیه‌ی «الرجال قوامون على النساء» را تلاوت فرمود. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «من سعادة الرجل ان يكون القيم على عياله و قوامیت بر خانواده نشانه سعادت مرد است» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۵: ۲۵۱).

قوامیت مرد در این‌جا به منزله مسئولیت و سرپرستی است و سرپرستی صرفاً به معنای انفاق نیست و به معنای اداره کردن می‌باشد؛ به عبارت دیگر اداره خانواده و جلوگیری از به خطا رفتن و فشل شدن خانواده با مرد است.

تعریف ولایت پدر و تصرفاتی که پدر بر فرزند صغیر یا مجنون می‌کند، دامنه وسیع و گسترده‌ای دارد که خارج از حوصله و موضوع بحث است اما در مفهومی وسیع ولایت، سرپرستی و اختیار در تصرف در اموال یا شئونات شخص دیگر در قلمرو تعریف شده فقهی است. باید توجه داشت که ولایت با قوامیت متفاوت است و بر زنان بالغ کسی ولایت ندارد. حضانت به‌طور خلاصه، حکم وضعی است که از آن حق و تکلیف در نگهداری کودک انتزاع می‌شود و از جهتی حقوق والدین و از جهتی دیگر وظایف والدین محسوب می‌شود. حضانت را نباید با ولایت یا حتی تربیت یکی دانست؛ ولایت به معنای سرپرستی و اختیاری است که قانون برای اداره امور کودک به پدر و جد پدری می‌دهد تا بر اساس مصلحت کودک عمل کنند. این حق پس از مرگ با وصیت قابل انتقال است. تربیت نیز بیشتر امری معنوی است. در حالی که حضانت عموماً ناظر بر نگهداری از جسم کودک است، هر چند که حضانت به‌طور عام شامل تربیت نیز می‌شود.

یکی دیگر از چالش‌های پیش روی خانواده در جامعه اسلامی، گسترش فرهنگ غربی مبنی بر برابری زن و مرد است که سرپرستی مرد را نمی‌پذیرد. در حالی که قوامیت مرد به معنای مسئولیت و وظیفه‌مندی او در خانواده است و بر این اساس مرد باید زمینه حفظ و تعالی خانواده را فراهم کند و برخلاف آن چه که تفکرات غربی بیان می‌کنند به معنای زورگویی و برتری مرد بر زن نیست و برتری نزد خداوند صرفاً به تقواست و نقش مدیریتی مرد در خانواده صرفاً نقشی اجرایی به حساب می‌آید. نادیده گرفتن نقش افراد در خانواده به معنای برابری، آن چنان که فرهنگ غرب معرفی می‌کند، نیست بلکه این امر صرفاً جابه‌جایی نقش‌هاست. نکته قابل توجه این است که برابری حقوق باید با توجه به ویژگی‌های ذاتی و طبیعی و یا امکانات افراد صورت بپذیرد و انجام دادن امور مشترک به معنای برابری حقوق نیست. به همین جهت نفقه زن و پرداخت هزینه کارهای منزل در صورت مطالبه زن، برعهده مرد قرار دارد و در مقابل، وظایفی نظیر تمکین نیز بر عهده زن قرار گرفته است و نقش اختصاصی سرپرستی خانواده توسط مرد نیز با توجه به خصوصیات ذاتی و شخصیتی او تدبیر شده است.

در نتیجه هر یک از مرد و زن با توجه به ویژگی‌های جنسیتی خود در خانواده تکالیفی دارند که با انجام دادن آن‌ها محیطی امن برای تعالی خود، فرزندان و نسل‌های بعدی فراهم می‌آید.

۴-۱. **شخصیت سازی در خانواده:** یکی از کارکردهای مهم خانواده شخصیت سازی و تربیت اولاد است چراکه قسمت اعظمی از شخصیت‌پذیری افراد در خانواده انجام می‌پذیرد و هنجارها و ناهنجاری‌ها از خانواده به فرزندان منتقل می‌شود. خداوند در سوره زمر، آیه ۱۵ در این

خصوص می‌فرماید: «پس هر چه را غیر از او می‌خواهید بپرستید اولی به آنان [بگو زبناکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند آری این همان خسران آشکار است.» همچنین در سوره تحریم، آیه ۶ مقرر کرده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشت‌خو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آن چه به آن‌ها حکم شود انجام دهند.»

در عصر حاضر خانواده‌ها عمده مسئولیت تربیت را به نظام آموزشی سپرده‌اند و نظام آموزشی نیز صرفاً تأکید بر آموزش دارد درحالی که تربیت جنبه پرورشی داشته و در واقع بی‌توجهی دوجانبه‌ای به تربیت فرزندان در حال رخ دادن است.

در عصر جدید تربیت کودکان با پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی از جمله ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی و از سوی دیگر به دلیل تغییر سبک زندگی و فاصله گرفتن والدین از تربیت فرزندان و همچنین حتی کم‌رنگ شدن روابط والدین با یکدیگر و با وجود تهاجم فرهنگی و عدم توجه والدین به تربیت اسلامی، بسیار متفاوت از قبل و با چالش‌های مختلفی نیز رو به رو شده است.

باید توجه داشت که تربیت دارای ابعاد مختلف جسمانی، معنوی، عقلانی و اجتماعی است که اسلام بر همه این موارد اهتمام داشته است. در حالی که یکی از چالش‌های پیش‌روی نظام خانواده در حال حاضر عدم توجه والدین به تربیت معنوی فرزندان است. والدین امروزه صرفاً با فرستادن کودکان به کلاس‌های مختلف آموزشی و ورزشی از دیدگاه خود وظیفه تربیتی خود را مرتفع می‌دانند، در حالی که خانواده‌ها علاوه بر موارد مذکور باید به آموزش نماز، قرآن و سایر تربیت‌های دینی و اخلاقی و مهارت‌های زندگی و تربیت جنسی فرزندان و همچنین فرایند اجتماعی شدن آن‌ها از قبیل حضور آراسته در جامعه و ... نیز اهتمام بورزند، چراکه اساس دین بر معرفت احکام اسلام است.

از پیامبر(ص) نقل شده است: «به همان اندازه که کودک به دلیل کوتاهی در وظایفش عاق والدین می‌شود، والدین نیز در اثر مسامحه در وظایفی که به عهده دارند، عاق فرزند می‌شوند» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۵: ۱۲۳).

در اسلام کودک حقوق متفاوتی در خانواده دارد که باید مورد توجه خانواده قرار گیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

– **انتخاب نام نیکو:** انتخاب نام نیکو برای فرزندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چراکه اگر نام نامناسب و ناپسند باشد، فرزند مورد تمسخر و آزار روحی قرار خواهد گرفت.

امام رضاع) می‌فرمایند: «نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می‌دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱۵: ۳۶۷). همچنین ابن عباس از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرمود: «حق فرزند بر پدر است که نام خوبی بر او بنهد و به بهترین شکل تربیتش کند» (متقی هندی، ۱۴۰۵، ج ۱۶: ۴۷۷).

– **محبت و گرمی داشتن فرزند:** محبت ورزیدن از خواسته‌های ذاتی کودک است و بهترین و برترین کسانی که باید به کودک مهرورزی کنند، والدین و به ویژه مادر هستند. پیامبر(ص) فرموده‌اند: «کودکان را دوست بدارید و آن‌ها را مورد لطف و رحمت قرار دهید» (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱۱: ۴۴۹). همچنین با بررسی سیره پیامبر(ص) مشاهده می‌شود ایشان بامداد دست نوازش بر سر فرزندانش می‌کشید (امینی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۵۲).

گرمی داشتن کودک و عدم توهین و تحقیر کودکان سبب می‌شود تا علاوه بر پیدا کردن اعتماد به نفس در مسیر رشد قرار گرفته و زمینه برای شکوفایی استعدادهای وی نیز فراهم گردد. پیامبر(ص) می‌فرمایند: «فرزندان خود را گرمی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود.» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۲۲)

– **گفتن اذان و اقامه در گوش فرزندان:** اذان گفتن و اقامه در گوش نوزاد پس از به دنیا آمدن، آثار روحی و تربیتی دارد و سبب سیراب شدن فطرت خداجوی نوزاد و آمادگی بیشتر برای گرایش به معنویت می‌شود. پیامبر اکرم(ص) در این خصوص فرموده‌اند: «کسی که صاحب فرزند می‌شود، در گوش راستش اذان بگوید و در گوش چپش اقامه؛ چرا که این عمل فرزند را از شر شیطان مصون می‌دارد.» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱: ۴۰۵)

– **ادب آموزی:** یکی از حقوق فرزندان بر والدین تربیت آموزی آنان است. امام علی(ع) در وصیت به فرزندشان امام حسن(ع) سفارش می‌کنند که دوران کودکی بهترین زمان برای تربیت کودکان است. «دل جوان، مانند زمین کشت نشده است، آن چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو پیش از آن که دلت سخت گردد و عقلت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

– **آموزش نماز و قرآن:** نماز از احکام واجب اسلام است و آموختن آن از وظایف والدین است و آموختن قرآن که گنجینه اسرار الهی است و هر کس به آن چنگ زند، نجات می‌یابد نیز از

وظایف والدین و به ویژه پدر است. پیامبر(ص) فرمودند: «حق فرزند بر پدر است که به او قرآن بیاموزد.» (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶: ۴۱۷)

– آموزش خواندن و نوشتن؛ پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «سه حق از حقوقی که فرزند بر گردن پدر دارد این است که نام خوبی برایش انتخاب کند، نوشتن یادش دهد و پس از بلوغ زمینه ازدواج او را فراهم کند.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۱۶۱)

تربیت درست فرزندان نه تنها نقش بسزایی در جامعه و تشکیل خانواده آینده فرزند خواهد داشت بلکه همان‌طور که در روایات هم بیان شده سبب خیر و آمرزش والدین نیز شده و از باقیات صالحات محسوب می‌شود.

بدون تردید بکارگیری آموزه‌های تربیتی اسلام، زمینه رشد و تعالی فرزندان و جوانان آینده را فراهم می‌کند و در نتیجه به جامعه‌ای تربیت شده اسلامی کامل منتهی خواهد شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظام خانواده در فقه امامیه نظامی جامع و مانع برای برطرف کردن همه نیازهای انسان و بهترین الگو برای بیرون رفت از چالش‌های پیش روی نظام خانواده است که تفکرات غربی بر آن‌ها دامن زده است. بهترین الگو جهت استحکام نظام خانواده و رفع آسیب‌های موجود پیروی انسان از اراده خداوند در قانونمندی خانوادگی و اجتماعی است.

۱- خانواده در فقه امامیه بر مبنای اهدافی چون سکون روح و آرامش واقعی، تداوم نسل، ارضای مشروع جنسی و... تشکیل می‌شود، در حالی که در اندیشه‌های غربی، بنیان خانواده بر لذت و اقتناع غرایز داشته و بر مبنای اصالت اراده انسان بنیان نهاده شده‌اند. این در حالی است که مسلمانان به سنت پیامبر اسلام(ص) ملتزم هستند و همواره در فقه اسلام اراده انسان مسلمان در طول اراده خداوند جهت قانونمندی در روابط جنسی، مالی و مقامی مطرح می‌شود و تنها راه برای ارضای مشروع غریزه جنسی ازدواج دائم و موقت است و البته ازدواج موقت با رعایت همه ضوابط و روشن ساختن حدود و ثغور قانونی آن مطابق با مقتضیات زمان و عرف جامعه می‌تواند راه حل بعدی باشد و راه‌های دیگر مانند خودارضایی، همجنس‌بازی زنان، همجنس‌بازی مردان، زنا، ارضای جنسی با حیوانات یا دیدن صحنه‌های شهوت‌آلود که در فرهنگ غرب رواج دارد، حرام است و سرانجامی جز فساد و تباهی و فروپاشی بنیان خانواده نخواهد داشت.

۲- نقش اقتصادی و تامین معاش خانواده برعهده مرد بوده و زن در این خصوص تکلیفی ندارد، هرچند اسلام زن را در زمینه فعالیت اقتصادی مجاز می‌گذارد اما اندیشه‌های غربی که برای نقش اقتصادی زن بیش از نقش مادری و همسری وی ارزش قائل هستند و در صورت تداخل آن‌ها، نپذیرفتن نقش مادری و همسری را تجویز می‌کنند، جز فروپاشی نظام خانواده نتیجه دیگری به دنبال نخواهند داشت که با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و ارزش‌گذاری بر مبنای آن می‌توان از بی‌توجهی به نقش مادری و همسری کاست.

۳- در تفکر اسلامی، نقش سرپرستی و مدیریتی مرد در خانواده با توجه به ویژگی‌ها و توانایی‌های هر جنس تشریح شده است و به معنای برتری مرد در خانواده نیست. به عبارت دیگر در خانواده اسلامی، مردسالاری، زن‌سالاری و فرزندسالاری معنا ندارد بلکه اراده خداوند تنظیم‌کننده اراده انسان خواهد بود.

۴- آموزش و تربیت فرزندان از وظایف مشترک زن و مرد محسوب می‌شود که برخلاف اندیشه‌های غربی صرفاً به ابعاد جسمانی و عقلانی و اجتماعی معطوف نمی‌شود بلکه بعد چهارمی مبنی بر بعد معنوی و تربیت نفس نیز مورد توجه و تاکید آموزه‌های اسلامی قرار دارد. تربیت فرزندان که جوانان و خانواده‌سازان آینده هستند، نقش مهمی در پیشرفت جامعه دارد و تربیت آنان براساس احکام و آموزه‌های اسلامی می‌تواند منجر به تشکیل جامعه‌ای با تربیت کامل اسلامی شود که کمال مطلوب است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، (۱۳۸۷)، ترجمه: محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، قم.
۳. آیت‌اللهی، زهرا و جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۵)، دانش خانواده و جمعیت، دفتر نشر معارف، قم.
۴. اسماعیل‌تبار، احمد، (۱۳۹۵)، آداب همسرمداری و نکاح موقت، انتشارات فرهنگ سبز، تهران.
۵. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۰)، اسلام و تعلیم و تربیت، انتشارات اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران، جلد دوم.
۶. بروجردی، سید حسین، (۱۳۸۹)، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه نکاح (۱) و (۲))، مترجمان: احمد اسماعیل‌تبار، سید احمدرضا حسینی و مهدی حسینیان قمی، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، جلد‌های ۲۵ و ۲۶.
۷. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۰۷ق)، تفسیر البغوی، دارالمعرفه، بیروت، جلد اول.

۸. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، (۱۴۱۰ق)، **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، انتشارات داوری، قم.
۹. حرانی، ابن‌شعبه، (۱۴۰۹ق)، **تحف العقول**، موسسه الرساله، قم.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، **وسائل الشیعه**، موسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، جلد‌های ۱۵، ۲۰ و ۲۱.
۱۱. حلی، جعفر بن حسن، (۱۳۸۹ق)، **شرایع الاسلام**، منشورات الاعلمی، تهران، جلد دوم.
۱۲. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، (بی‌تا)، **تحریر الاحکام**، موسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، جلد دوم.
۱۳. سایس، محمد علی و همکاران، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر آیات الاحکام**، دار ابن‌کثیر، بیروت، جلد اول.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۴۷)، **لغت‌نامه**، دانشگاه تهران، تهران، جلد چهارم.
۱۵. صدرالاشرفی، مسعود؛ خنکوار طارسی، معصومه؛ شمخانی، اژدر؛ یوسفی افراشته، مجید؛ (۱۳۹۱)، **آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن**، مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، ص ۵۳-۲۶.
۱۶. صفایی، سید حسن، امامی، اسدالله، (۱۳۷۱)، **حقوق خانواده**، دانشگاه تهران، تهران، جلد اول.
۱۷. طبرسی، رضی‌الدین‌الحسن بن‌الفضل، (۱۳۷۰)، **مکارم اخلاق**، انتشارات شریف رضی، قم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق)، **مجمع البیان**، دارالمعرفه، بیروت، جلد سوم.
۱۹. فراهیدی، خلیل، (۱۴۰۹ق)، **کتاب‌العین**، مؤسسه دارالهجره، قم.
۲۰. فولادی، صمد، (۱۳۹۳)، **تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی اجتماعی**، سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، ص ۱۰۴-۷۷.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۷۳)، **تفسیر صافی**، تصحیح: حسین اعلمی، مکتبه الصدر، تهران، جلد اول.
۲۲. قلعه جی، محمد رواس، (۱۴۱۵ق)، **الموسوعه الفقهیة المسیره**، دار ابن‌کثیر، بیروت، جلد دوم.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱)، **حقوق خانواده**، شرکت سهامی انتشار، تهران، جلد اول.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۵۰)، **اصول کافی**، المکتبه الاسلامیه، تهران، جلد‌های پنجم و ۱۱.
۲۵. متقی هندی، حسام‌الدین، (۱۴۰۵ق)، **کنز العمال**، موسسه الرساله، بی‌جا، جلد ۱۶.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، (بی‌تا)، **بحار الانوار**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، جلد ۱۰۳.
۲۷. محمدی ری‌شهری، محمد و جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۱)، **دانشنامه قرآن و حدیث**، مترجمان: حمیدرضا آژبر، حمیدرضا شیخی، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم، جلد سوم.
۲۸. مصطفی، ابراهیم و همکاران، (۱۹۸۹م)، **المعجم الوسیط**، دارالدعوه، استانبول.
۲۹. مهرپور، حسین، (۱۳۸۷)، **مباحثی از حقوق زن از منظر: حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی**، انتشارات اطلاعات، تهران.

۳۰. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۶)، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، المكتبه الاسلامیه، تهران، جلد ۳۱.
۳۱. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، جلد ۱۵.
منابع الکترونیکی:

۳۲. تورم طلاق فراعاطفی و جنسی در ایران، قابل دسترسی در پایگاه:
www.isna.ir/news/95022918429

۳۳. چطور ۳۰ هزار زن سرپرست خانوار ۳ میلیون شد؟/ دردهای «زیادی»، قابل دسترسی در پایگاه:
<http://women.gov.ir/fa/news/7766>

۳۴. قانون اساسی ایران، قابل دسترس در پایگاه:
http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution

۳۵. قانون مدنی ایران، قابل دسترس در پایگاه:
<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97937>

